

ادبیات رزمی

در شماره پیش از ادبیات رزمی اجمالا تعریفی بعمل آمده کنون در ماهیت آن وارد میشود :

پایه و اساس منظومه های رزمی بیشتر مثنوی است و مثنوی که آنرا بزبان اروپائی (ایبک) خوانند شعری را گویند که هر بیت آن قافیه‌ئی جداگانه داشته باشد برخلاف قصیده و غزل و تغزل که تمام ابیات آنها قافیه واحدی را داراست بنا برین مثنوی از لحاظ جدائی بیت ها خیلی وسیع و دامنه دار میباشد و هر گله شاعری بخواهد از مسائل رزمی سخن سراید و مناظر میدان های جنگ را چون نقاشی چیر دست تصویر نماید البته باید بتفصیل پردازد جزئیات وقایع را بیان سازد تا بتواند مگر که جنگ و هیاهوی صحنه نبرد را مانند پرده سینما در برابر انظار مجسم کند و احساسات مردم را برانگیزد البته در این مقام ناچار است که مثنوی را بکار برد زیرا اگر بنا باشد مانند قصیده و غزل در تنگنای یک قافیه محصور گردد بطور باید و شاید بانجام مقصود توفیق نمی یابد اینست که شعرای حماسه سرا یا شاعران رزمی مثنوی و بحر های مربوطه بآنرا برای بیان وقایع جنگی و حوادث تاریخی بیشتر مناسب دیده اند و از اینروست که می بینیم بزرگترین شاعر رزمی ها یعنی فردوسی منظومه شاهنامه را که بالغ بر شصت هزار بیت است (۱) از آغاز تا انجام بطور مثنوی در بحر متقارب گفته است چه همانگونه که در بالا اشارت رفت مثنوی بواسطه بسط و وسعت خود نه تنها بجهت ذکر حوادث جنگی بلکه اتفاقات تاریخی یا اخلاقی و فلسفی و امثال آنها که احتیاج بشرح و بسط دارد بیش از هر نوع سخن متناسب میباشد و همین آزادی و دامنه داری مثنوی در بیان است که آنرا بر دیگر اقسام شعر تفضیل نهاده و رجحان داده است و خوشبختانه سنگ بنیاد مثنوی در شرق با دست ایرانی گذارده شده که البته از همه مهمتر شاهنامه

(۱) در اصل ۶۰ هزار بیت بوده ولی این مقدار که فعلا در شاهنامه‌هاست ۵۰ هزار بیت می‌باشد

حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی و پس از او اسکندرنامه حکیم نظامی میباشد و دیگر نامه های رزمی هر چند حایز کمال اهمیت و حاوی معانی نفی و مضامین دلکش و مرغوب است ولی بیای شاهنامه و اسکندرنامه نمی رسد حال شما خود انصاف دهید و قضاوت کنید که در ادبیات کدام يك از ملل اینهمه اشعار رزمی یافت میشود این نیست مگر همان روح سلحشوری ایرانی که در پر توش توانستند بزرگترین امپراطوری ها را در دنیای قدیم بوجود آورند که هنوز هم عظمت و ابهت شگرف آن عالمیان را بحیرت می افکنند و فروغش دیده گانرا خیره میسازد بحدی که آدمی یکبارہ در دریای شکفتی غوطه ور میگردد. زیرا ادبیات عربی با همه سعه خود مثنوی رزمی و تاریخی هیچ ندارد و مثنویات اخلاقی نیز در آن بندرت یافت میشود و لذا برای ما ایرانیان مایه کمال سر افزای و مباحثات است که پس از برچیده شدن بساط دولت ساسانی و گسترده گشتن نطع سلطه عرب باز همان روح سلحشوری و ابشکار ایرانی بوده است که با آوردن سبک نوینی در شعر یعنی مثنوی انقلابی بزرگ در ادبیات شرقی و بلکه جهانی پدید آورده و شاعران را تا اندازه بی از تفککنای قافیه و هائی داده و در حقیقت ایرانی با اتخاذ طریقه مثنوی کوئی تکلیف و تصحیح زادن پس پشت نموده و بطبیعت نزدیکتر شده و رفته رفته در مسائل فلسفی و اخلاقی بو بزرگ رزمی و تاریخی آثار بسیار ذقیمت و کرامتها از خود بر جای گذارده است که بلاشک در دنیا مانند ندارد.

درین مقاله از ذکر مثنویات اخلاقی و فلسفی یا عرفانی چون خارج از موضوع بحث میباشد میگردد فقط برای مزید اطلاع خوانندگان محترم قلم را به بیان پاره بی از مثنویات رزمی معطوف میدارد، منظومه های رزمی در زبان فارسی بسیار و مهمترین آنها عبارتست از:

- گشتاسب نامه دقیقی
- گرشاسب نامه اسدی طوسی
- اسکندرنامه نظامی
- اسکندرنامه خسرو
- ظفرنامه حمدالله مستوفی
- تیمور نامه هاتقی
- شاهنشاه نامه فتحعلی خان ملک الشعرا متخلص بصبا
- افتخارنامه حیدری مرحوم سیدمصطفی متخلص بصبا
- واز معاصرین قیصرنامه سیداحمد ادیب پیشاوری

اما چنانکه در شماره پیش هم اشاره شد کمال استادی یکتفر شاعر رزمی حماسه سرا اینست که خود دارای روح سپاهگیری و جنگ آوری باشد تا بتواند طوری و قایع جنگی را تعریف و توصیف کند که در دلها جای گیرد و الحق چون استاد فردوسی بیش از دیگر شعرای رزمی دارای این روح بزرگ و واجد این صفت عالی بوده است بهتر از هر کس از آنجمله این مهم برآمده است و هر گاه در شاهنامه غوررسی و در معانی بلند آن ژرف اندیشه کنیم علاوه بر کنجینه های بزرگی که از بند و اندرز و حکمت و عرفان و غیره می یابیم میتوانیم یک کتاب قواعد و قوانین رزمی که در عهد باستان مرسول و متداول بوده است از آن بدون سازیم از اینرو نگارنده بتدریج در آینده ضمن تشریح قسمتهای مختلف شاهنامه این نکات دقیق و فنون باریک رزمی را باستناد اشعار شاهنامه (نه از روی وهم و خیال) مورد تحلیل و تجزیه قرار خواهد داد و در این شماره بذکر نبرد قطعی ایرانیان با تورانیان که بجهنگ یازده رخ (۱) موسوم میباشد میپردازد:

افراسیاب پادشاه توران پس از جنگهای چندی که با کیتخسرو شاهنشاه ایران میکنند و مغلوب میشود برای آخرین بار بسیج قوا کرده دو لشکر عظیم

(۱) در بعض نسخ جنگ دوازده رخ نوشته شده و رزم بیژن و هوسان را هم بآن

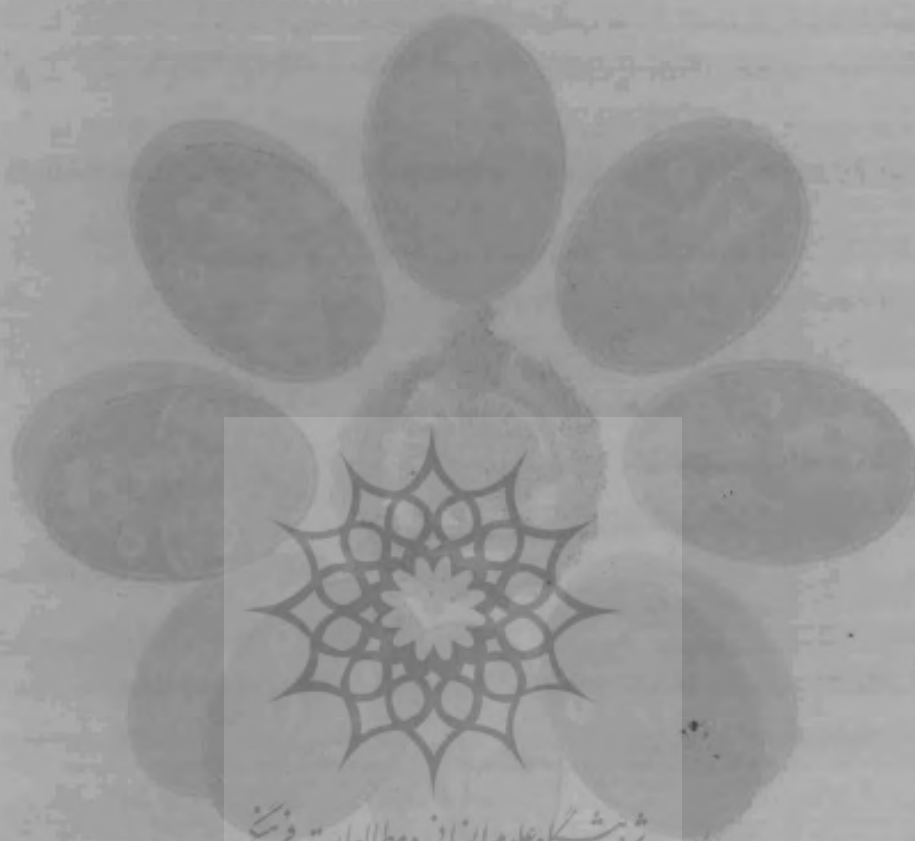
یکی بسر کردگی پسرش شیده و دیگری بفرماندهی پیران ویسه بایران اعزام میدارد
کیخسرو پس از اینکه آگاه میگردد که قوای توران بمرزهای ایران تجاوز کرده اند
در مقام مدافعه برآمده و سپاهی گران بسپهسالاری گودرز کشواد بجلو گیری
میفرستد در اینجا نکته قابل توجه اینست که امروزه ملل بزرگ دنیا در مواقع
جنگ و جدال همیشه سعی میکنند که خود را مدافع و دیگران را متجاوز قلمداد
نمایند تا احساسات جهانیان را بر خصم خود برانگیزند و چنانکه در اشعار پائین
خواهیم داد شاعر بزرگ سلحشور ما نیز همین کار را کرده و علاوه بر اینکه
تجاوز را از طرف ترکان دانسته و ایرانی را مدافع می شمارد ضمناً از قول کیخسرو
شاهنشاه ایران بگودرز فرمانده قوای اعزامی در رعایت عدالت و نصفت چنین
میگوید:

بگردار بد هیچ مکشای جنگ	نکر تا نیاری به بیداد جنگ
چنان ساز کز تو نمیند زیان	کسی کو بجنکت نمند میان
سینه جت گیتی و ما بر گذر	که نپسندد از ما بدی دادگر
ز یزدان نیکی دهش یاد کن	بهر کار با هر کسی داد کن
هشیوار و وزیاد گیران فرست	جهان دیده بی نزد پیران فرست
برو چادر مهربانی بپوش	به پند فراوانش بکشای گوش

و نیز پس از آنکه گودرز بدستوری شاه به پیران ویسه فرمانده قوای
ترکان بوسیله گپو اتمام حجت (اولتیماتوم) میدهد باز تقصیر و گناه جنگ
را بگردن ترکان می اندازد چنانکه میفرماید:

ز هر گونه گفتند و پیران شنید
کنه کاری آمد ز ترکان پدید
همه میدانیم که در دوران کنونی شرایط يك اتمام حجت جنگی معمولاً
خواستن گناهکاران و تسلیم بزهکاران جنگی است که مؤسس و مسبب جنگ
و خونریزی شده اند و دیگر مطالبه غرامات جنگی و بالاخره تسلیم اسلحه
میشود حال شما تمام این شرایط را در اولتیماتوم گودرز به پیران مشاهده
میکنید:

فصل اول در بیان کلیات و اصطلاحات



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

- ۱- ...
- ۲- ...
- ۳- ...
- ۴- ...
- ۵- ...
- ۶- ...
- ۷- ...
- ۸- ...

نخستین کسی کو پی افکنند کین	بخون سیاوش نوشت آستین
بسان سگانشان از آن انجمن	ببندی فرستی بنزدیک من
که هر کو بخون کیان دست ساخت	زمانه جز از خاک جایش نیافت
دگر هر چه از گنج نزدیک تست	همه دشمن جان تاریک تست
همه آلت لشکر و سیم وزر	فرستی بنزدیک من سر بسر

پیران ویسه چگونگی اتمام حجت گودرز را با فراسیاب اطلاع داده و تقاضای اعزام قوای کومکی میکنند و فراسیاب هم با شتاب هر چه تمامتر نیروئی بسیار عظیم بهاری پیران میفرستد و در نتیجه پیران قویدل شده اتمام حجت گودرز فرمانده سپاه ایران را رد میکنند و سرانجام هر دو سپاه در میان دو کوه آماده بجنگ میشوند سپاه ایران در ریبند و سپاه توران در کنابد موضع میگیرند و هر یک موضعی را برای استقرار سپاه اختیار میدنند که پشت آنها بکوه بوده و از دستبرد و غافلگیری دیگری مصون میباشد و چون هر دو فرمانده (گودرز و پیران) پیر و جهان دیده و رزم آزموده هستند در آرایش سپاه مهارت و شایستگی بی نظیری از خود نشان میدهند اما در اینجا نیز فردوسی بر عایت و وظیفه ملی لیاقت گودرز را بیشتر می ستاید و او را بر پیران رجحان می نهد.

چو گودرز توران سپه را بدید	که برسان دریا همی بردمید
بآسوده خنک اندر آورد پای	یلان را بهرسو همی ساخت جای
بدانسان بیا راست آن رزمگاه	که رزم آرزو کرد خورشید و ماه

چو سالار شایسته باشد بجنگ مجموع علوم انسانی و مطالعات نترسد سپاه از دلاور فهنگ

قارئین گرامی بهتر از نگارنده میدانند که بدترین چیز از برای تضعیف قوای روحی و خراب کردن روحیه سرباز همانا حالت انتظار و بلا تکلیفی و توقف ممتد در جبهه جنگ است چنانکه تعلل عمدی متفقین در کشایش جبهه دوم در اروپا و بتأخیر انداختن حمله در خاک فرانسه که مدتها بطول انجامید رفته رفته روحیه سربازان آلمانی را که از خیلی پیش در سواحل فرانسه منتظر حمله سپاهیان متفقین و آماده مقابله با آنان بودند ضعیف کرد و بدین ترتیب آنها را خسته ساختند بعدی که در موقع حمله ناگهانی و هجوم بسواحل

فرانسه سربازان آلمانی نتوانستند کاملاً بمدافعه پردازند و لذا نیروی متفقین حتی مطابق گزارش ژنرال ایزن هاور فرمانده کل قوا خیلی بیش از آنچه که خود او انتظار داشت در خاک فرانسه پیشروی کرد اکنون شما تماشا کنید که فردوسی مثل یک مرد جنگی کار آزموده روان شناس چه خوب این نکته حساس را از هزار سال پیش دریافته که از طرف گودرز یکدفعه بنام اتمام حجت دو هفته سپاه توران را عمداً بحال انتظار میگذارد:

بدان تا نباشد به بیداد جنگ
 دو هفته شد اندر سخمشان درنگ
 و دفعه دیگر بس از صف آرائی در برابر هم باز تا سه شبانه روز دست به
 لبردمی زند:

چنین ایستاده سه روز و سه شب تو گفتمی یکی را نجهنمید لب

بازمانده در شماره آینده



روزنامه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

نقشه راه برای توسعه و پیشرفت کشور ما در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی، نیازمند توجه ویژه به حوزه‌های مختلف است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فناوری، به بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی اقدام شود. همچنین، توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای در فرآیند توسعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهایت، امید است که با همکاری و هم‌افزایی همه‌جانبه، شاهد تحقق اهداف و چشم‌اندازهای روشن کشور باشیم.